



نادر ابراهیمی متعلق به نسلی از نویسندگان است که راه و آمالشان را در کار مداوم و خستگی‌ناپذیر می‌دیدند. ابراهیمی در دستورالعملی که برای زندگی خودش ترسیم کرده بود، در آخرین بخش چنین نوشته بود: «به حد کشنده‌ای بنویس...» فرزانه منصوری، همسر ابراهیمی، روحیه پشتکار شوهرش را این‌گونه توصیف می‌کرد: «اغلب آرزو دارد که ای کاش ۲۴ ساعت، ۴۸ ساعت بود تا بیشتر کار کند و فرهنگ جامعه‌اش را ولو اندکی ارتقا دهد.»

گشت و گذاری در دنیای
نویسندگی نادر ابراهیمی، خالق
داستان‌های ناب عاشقانه

نویسندگانی پرکار که زیبا از عشق می‌نوشت

احمد محمدتبریزی | برای نویسنده شدن نیوغ لازم است یا پشتکار؟ این سؤال را معمولاً هر آدم عاشق نویسندگی از خود می‌پرسد و در جواب باید گفت برای نویسنده شدن دقیقاً ترکیبی از هر دو لازم است. یک نویسنده نابغه با استعداد، اگر مدام نخواند و زیاد ننویسد، قلمش آن طراوت لازم را نخواهد داشت. چنین نویسنده‌ای باید زیاد بخواند و زیاد بنویسد تا نوشته‌هایش مثل گل بهاری تازه بماند.

تو را چون خاک می‌خواهم!

و از همه مهم‌تر، نویسندگی بدون هدف و تعهد برای ابراهیمی ارزشی نداشت. او دوست داشت قلمش را برای آرمان، ارزش‌ها و تعهداتش در زندگی به دست بگیرد و از هر چیزی ننویسد. او در تمامی آثار نگاهی جامعه‌شناختی به مسائل دارد و هیچ‌گاه جامعه و مردم را از نظر دور نگه نمی‌داشت. آثار رئالیستی ابراهیمی با نگاهی آرمانگرایانه به دنبال ساختن جامعه‌ای بهتر است. این نویسنده پرکار خلق داستان را چیزی دور از وقایع و رخدادهای زندگی نمی‌داند و گاهی با استعاره و تمثیل در حال خلق جهان داستانی کتابش است. او اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر خود را به شکل نمادین و با زبانی هنری در قالب رمان روایت می‌کند و واقعیت تاریخی را با تخیل قوی خویش به واقعیت داستانی تبدیل می‌کند. برای او خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است و در بسیاری از کتاب‌هایش خانواده را به عنوان عنصر اصلی و پررنگ می‌بینیم.

ابراهیمی و جنگ

ابراهیمی در جنگ شرکت کرد و برای بچه‌هایی که در کار داستان‌نویسی جبهه و جنگ هستند، کلاس آموزشی گذاشت. ابراهیمی همواره می‌گفت: «وطنم را سخت دوست دارم چرا که قدمگاه ملت من است.» در پایان نگاهی به بخشی از کتاب «چهل نامه کوتاه به همسر» داشته باشیم که ابراهیمی در آن عشق به همسر و وطن را با هم در می‌آمیزد و جملاتی ماندگار و طلائی به یادگار می‌گذارد: «عزیز من! امروز که بیش از همیشه عمرم، خاک این وطن دردمندم را عاشقم، و نموده چیزی که کارم همه از عاشقی به جنون و آوارگی بکشد، بیش از همیشه آن جمله کوتاه که روزگاری درباره تو گفتم، به دلم می‌نشیند و خالصانه بودنش را احساس می‌کنم: تو را چون خاک می‌خواهم، همسر من! در عشق من به این سرزمین، آیا هرگز امکان تقلیلی هست؟»



ترکیبی از نبوغ و پشتکار

اگر برای چنین موردی دنبال نمونه و نویسنده می‌گردید، «نادر ابراهیمی» یک گزینه است. او ترکیبی از استعداد و پشتکار بود، هر چند خودش در کمال فروتنی همواره می‌گفت «استعدادی در نویسندگی ندارم» ولی محال است کسی با خواندن کتاب‌های ابراهیمی متوجه ذوق و قریحه بالای او در نویسندگی نشود. کتاب‌های او پس از گذشت چند دهه، همچنان خواننده دارد و مهم‌تر آنکه، جوانان هر نسلی به خوانندگان کتاب‌های او تبدیل می‌شوند. مهم‌تر از نبوغ و استعداد نادر ابراهیمی، باید پشتکار و همت او را در نویسندگی ستود. او الگوی درستی از کار کردن مداوم و بدون خستگی است. کلمات برای ابراهیمی مثل هوا بود و اگر روزی نمی‌آمد که او نمی‌نوشت، حتماً نفس کشیدن برایش سخت می‌شد.

نادر ابراهیمی متعلق به نسلی از نویسندگان است که راه و آمالشان را در کار مداوم و خستگی‌ناپذیر می‌دیدند. ابراهیمی در دستورالعملی که برای زندگی خودش ترسیم کرده بود، در آخرین بخش چنین نوشته بود: «به حد کشنده‌ای بنویس...» فرزانه منصوری، همسر ابراهیمی، روحیه پشتکار شوهرش را این‌گونه توصیف می‌کرد: «اغلب آرزو دارد که ای کاش ۲۴ ساعت، ۴۸ ساعت بود تا بیشتر کار کند و فرهنگ جامعه‌اش را ولو اندکی ارتقا دهد.»

عاشقانه‌ای آرام و روح‌نواز

همین روحیه پرکاری سبب شد تا نویسنده «یک عاشقانه آرام» در ۷۲ سال زندگانی‌اش،

ستایشگر عشق

ابراهیمی، «عشق» را ستایش می‌کند و چنان زیبا از آن می‌نویسد که مشخص می‌شود فردی عاشق پیشه این‌گونه پرقدردان توان توصیفش را دارد. ابراهیمی در بخشی از کتاب «یک عاشقانه آرام» در باب عشق‌های حقیقی در زندگی می‌نویسد: «عاشق بهانه نمی‌گیرد، عاشق نق نمی‌زند، عاشق در باب زندگی سخت نمی‌گیرد. عاشق، با نان خالی و ظرف پر از محبت راضی است.»

شاید برخی تصور کنند «یک عاشقانه آرام» برگرفته از زندگی نویسنده باشد. قطعاً سرچشمه‌هایی از زندگی ابراهیمی در کتاب وجود دارد، ولی نویسنده هدف دیگری از نوشتن کتاب داشته: «در یک عاشقانه آرام من در واقع دگرترین یک زندگی را گفته‌ام.» ابراهیمی این کتاب را نوشته تا در واقع الگو و نمونه‌ای از زندگی عاشقانه را پیش روی خوانندگان بگذارد.

کتابی که بیشتر به زندگی مشترک ابراهیمی گره خورده، «چهل نامه کوتاه به همسر» است. اتفاقاً این کتاب هم همچنان در بازار نشر پر فروش است و خوانندگان نسبت به آن اقبال نشان می‌دهند. زبان صمیمی نویسنده در نوشتن نامه‌ها به همسرش، هر خواننده‌ای را به سوی خود می‌کشاند. زبانی گرم که لبالب از حس عشق و زندگی است و در تکاپوی ملال و روزمرگی‌های

زندگی، نمی‌خواهد آن حس خوشایند خوشبختی و سعادت را از دست بدهد. ابراهیمی، قناعت، صبوری و خوبی همسرش را در نامه‌هایش ستایش می‌کند و از این بابت منت‌دار اوست.

کودکانه‌ها

ابراهیمی از نویسندگانی بود که کودکان این سرزمین را جدی می‌گرفت و برای آنان با عشق و علاقه می‌نوشت. به لیخند آنان پاسخ می‌داد و با کلماتش به دنیای کودکان رنگ و عطر می‌پاشید. سیمین دانشور درباره داستان‌های کودکانه نادر ابراهیمی می‌گفت که او در معرفی ادبیات به کودکان این سرزمین کمک بسیاری کرد. نادر ابراهیمی اعتقاد داشت، نه علم، نه تمدن، نه صنعت و نه تکنولوژی هیچ کدام نمی‌تواند به اندازه شعر و داستان با زبانی لطیف، مهربان و انسانی به کمک کودکان بیاید و آنها را آماده مقابله با سیاهی و تباهی در دنیا کند.

ماهیت و حال و هوای آثار کودکانه ابراهیمی، تعلیمی و جدی است. لحنی محکم و استوار دارد و حرف‌های حکیمانه می‌زند. مثل معلمی جدی.

